

ناصر خسرو از دیدگاه دیگران
بمناسبت یکهزار و هفتمین سال تولد حکیم ناصر خسرو
394 – 481 هـ.ق مطابق با 1004 – 2011 میلادی

ناصر خسرو چو در یمگان نشست	آه او از چرخ و این کیوان گذشت
کرد کنج عزلت این جاگه قبول	او شنید این جایگه قول رسول
بود فرزند رسول آن مرد دین	با خوارج بود او را جنگ و کین
چون نبود او مرد میدان سگان	زان چو لعل اندر بدخشان شد نهان
گوشه یمگان گرقت و کنج کوه	تا نبیند روی شوم آن گروه
من چو آن سلطان گرفتم گوشه ای	چون به معنی داد ما را توشه ای

شیخ فرید الدین عطار

در باب حکیم ناصر خسرو (رح) سخن بسیار گفته اند. بعضی گویند که موحد و عارف است و بعضیها بر او طعن میکنند که طبیعی و دهری بوده و مذهب تناسخ داشته ، العلم عند الله . به همه حال مردی حکیم و فاضل و اهل ریاضت بوده قبر شریف او در دره یمگان است از اعمال بدخشان . مردم کوهستان را به حکیم ناصر خسرو اعتقادی بلیغ است. بعضی او را سلطان مینویسند و بعضی شاه و بعضی امیر، و بعضی گویند نسب سادات داشته ، و آن سخنان که میگویند که چندگاه در طاق کوه نشسته و به بوی طعام زنده مانده ، سخن عوام است و اعتباری ندارد .

تذکرت الشعراء

امیر دولت شاه سمرقندی صص 49 – 50 ، 51

حکیم ناصر خسرو علوی سید عظیم القدر و فاضلی دانشمند بوده . . . دیوان مبسوطی دارد که به نظر نرسیده است.

لطف علی بیگ آزر

آتشکده ، 1009 و 1029

ناصرخسرو اعجوبة زمان و نادره دوران بود ، بر رهي حق بوده ، در مراتب شعر و شاعري از بسياري بهتر است.

رضاقلي خان هدايت

مجمع الفصحا، ج 3 ، ص 1359

در تحليل احوال روعي ناصرخسرو ميتوان گفت كه او بيش از يك عالم ديني به معنای محدود آن يك آزاد مرد حكيم و فيلسوف پخته و جهان بيني بود . . . ناصرخسرو را بايد در حلقه آن شيدايان محسوب نمود كه مانند منصور حلاج و بايزيد بسطامي و سنائي غزنوي و سهروردي مقتول و مولانا و بسيار از امثال ايشان پروانه وار گرد نور حقيقت ميچرخيدند و ميپيديدند تا به آن نور بپيوندند و « كنت كنزا مخفيا » را دريابند.

عبدالوهاب طرزي

ناصرخسرو پديده اي سرشار از جنبه هاي ممتاز است . وي هنرمندي عادي از آنگونه كه نظايرش در كوچه و بازار فراوانند نيست ، بلكه شاعري است با سبكي ساده خاص خود ، مردی است كه قدم بر هرچيز به اندیشه قدر مينهد و از همين روست كه در بحبوحه قال و مقال طوطي صفت ديگران فوق العاده شايان توجه است . از آن گذشته سير و تطور افكارش نيز بنوبه خود اهميتي بسزا دارد . محمد قزويني وي را در زمره شش شاعر بزرگ « ايران » ميشمارد { نظامي گنجوي را كنار ميگدارد } و اضافه ميكند كه مذهب او را از انظار مستور داشته است.

يان ريپكا

تاريخ ادبيات ايران ، ترجمه دكتور عيسي شهابي ، ص 305

اگرچه مطالعات و تتبعات علماي مستشرق در زمينه روحانيات و ايران از نگاه ارتباط منطقي و تفصيلات همه جانبه ، لا مقايسه با آنچه علماي متتبع فلسفه هند به ميان آورده اند، خيلي ناقص است ، باز هم دو نام برارنده ناصرخسرو و سهروردي از بين ديگران ميتوانند ما را بوجه مطلوب رهنمايي كنند و تتبع آثارشان زمينه تنور و تفكر ما را فراهم نمايد.

هانري كربن

مقدمة جامع الحكمين ، به نقل طرزي ، ناصرخسرو بلخي ، ص 129

افكار و آثار ناصرخسرو حاكي از جهان بيني و اوج فكري اين حكيم آزاده است و ميتوان آنرا نمونه والايي جهت خط مشي آزادگان بعد از زنداني يمگان دانست .

مقدمه سفرنامه ناصر خسرو

نشر انجمن خوشنویسان ایران

حکمت و اخلاق ناصر خسرو، آثار باقیمانده او را نزد ملل و فرق گوناگون دنیا طی هزاران سال عزیز و محترم گردانید. صمیمیت و جدیت کامل، روح جوینده، تحقیق و تتبع جسورانه درباره اسرار آسمان و زمین، فضایل نفسانی کم نظیر، نوع پروری و بشردوستی و همت بلند، همه این صفات حکیم بزرگ ناصر خسرو، توجه علمای قدیم و جدید را، عرفان و متصوفه، شیعیان اثناعشری و سنی ها را همچنین اروپاییها را بخود جلب کرده و میکند و ازین پس نیز خواهد کرد. حکمت شرقی او علی رغم سادگی ظاهریش، باطن عمیق دارد.

ا. ی. برتلس

جاویدان خرد، ج 1، شماره 1، ص 33

پیر عصیانگر و سیاح پرتلاش و گرانجان بلخ، ناصر خسرو علوی، در روزگار که جوانی پرشور و شرش سپری میشود، و میبایست بنا بر معمول، پیری آرامی بخشش آغاز شود، جویای چه بوده است؟ او را چه میشده است؟ چه میخواست که یکباره به همه چیز - آری به همه چیز خویش - به بزم و رزم، به ننگ و نام، به شوکت و جاه، یار و دیار، کیش و آیین و جهان بینی معتاد پشت پا میزند و در پی گمشده خود به مصر همی رود . . . تحقق بهروزی همه انسانها را به جستجوی راه و راهبر بر می گمارد. انسانها در کشاکش این اشتیاق « برترین رهبری » را نیز گاه ناچار در وجود « برترین رهبران » همی جویند و هنگامیکه پندارند برترین رهبر خود را یافته اند، آنگاه دیگر از هیچ کوششی در راهش، از هیچ خوب گویی و ستایشی در وضعش دریغ نمی ورزند. هم از همین رهگذر است که حکیم عصیانگر بلخ، هنگامیکه ترك یار و دیار همی کند، نام و ننگ را به پیشیزی دیگر نگیرد . . . و پرخاشجویانه اعلام میدارد که دیگر من نه آنم که گوهر مدح بی ریای خویش این گرانمایه در لفظ دری را به پای خوکان آلوده ریزم. آنگاه همو درست در اوج التهاب آوارگی خویش، هنگامیکه سرانجام خسته و مانده در مصر رهبر گمشده خود را در هاله وجود خلیفه فاطمی متجلی همی بیند، « بی چون چرا » دعوتش را یکباره به دیده و دل میخرد و جانی تازه همی یابد. این زمان آسیمه سر عنان توسن سرکش از دست میدهد. ذوق زده شیفته و شوریده حال، سرمست از باده غرور وصال بخود همی بالد، و حماسه پیروزی و رزم و افتخار پایکوبانه سر همی دهد که :

تا تو بمیری ز غم ای ناصبی

فاطمیم فاطمیم فاطمی

دکتر ناصرالدین صاحب الزمانی

ناصر خسرو نه تنها در خراسان بلکه در تمام ایران در شمار یگانه ها و بی مانندان است. کیست که با ادب غنی ایران آشنایی عمیق داشته باشد و بتواند شاعران و نویسندگان دیگری را که در راه ناصر خسرو گام برداشته اند به ما معرفی کند؟ ما در ادبیات فارسی { دري } بزرگمردانی چون فردوسی، خیام، نظامی، مولانا، سعدی و حافظ داریم که گروهی از شاعران ما سخت کوشیده اند به تقلید هریک از ایشان اثری بوجود بیاورند، ولی همه خوب میدانیم و گذشت قرون و اعصار نیز اثبات کرده است که آن چند تن بی رقیب و بی منازع بر قله افتخار ادب پارسی با قامتی افراشته ایستاده اند. اما موجب شگفتی است که تنی چند چون ناصر خسرو و ابوالفضل بیهقی در تاریخ ادبیات و فرهنگ ما از جمله معدود کسانی هستند که کمتر کسی توانسته است که به حوزه هنر و مقام والای ایشان حتی به قصد تقلید نزدیک شود و ایشان را به اصطلاح سرمشق خود قرار دهد.

ناصر خسرو مردی حکیم و متفکر و متکلم، شاعر و نویسنده، دارای مقدار قابل توجه شعر درجه اول آثار منثور و فصیح و استوار، و مهمتر از همه با سبک و اسلوبی خاص که در طی یک دوره هزار ساله بی همتاست.

دکتر جلال متینی

یادنامه ناصر خسرو، ص 7 - 9